

علل پذیرش ولایت عهدی توسط امام رضا (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8">

پس از آنکه امام تراژدی پیشنهاد خلافت را با توجه به جدی نبودن آن از سوی مامون، پشت سر نهاد، خود را در برابر صحنه بازی دیگری یافت. آن اینکه مامون به رغم امتناع امام هرگز از پای ننشست و این بار ولیعهدی خویشتن را به وی پیشنهاد کرد. در اینجا نیز امام می دانست که منظور تامین هدفهای شخصی مامون است، لذا دوباره امتناع ورزید، ولی اصرار و تهدیدهای مامون چندان اوج گرفت که امام بناچار با پیشنهادش موافقت کرد.

دلایل امام برای پذیرفتن ولیعهدی

هنگامی امام رضا(علیه السلام) ولیعهدی مامون را پذیرفت که به این حقیقت پی برده بود که در صورت امتناع بهایی را که باید بپردازد تنها جان خودش نمی باشد، بلکه علویان و دوستدارانشان همه در معرض خطر واقع می شوند. در حالی که اگر بر امام جایز بود که در آن شرایط، جان خویشتن را به خطر بیفکند، ولی در مورد دوستداران و شیعیان خود و یا سایر علویان هرگز به خود حق نمی داد که جان آنان را نیز به مخاطره دراندازد. افزون بر این، بر امام لازم بود که جان خویشتن و شیعیان و هواخواهان را از گزندها برهاند. زیرا امت اسلامی بسیار به وجود آنان و آگاهی بخشیدنشان نیاز داشت. اینان باید باقی می ماندند تا برای مردم چراغ راه و راهبر و مقتدا در حل مشکلات و هجوم شبهه ها باشند.

آری، مردم به وجود امام و دستپورندگان وی نیاز بسیار داشتند، چه در آن زمان موج فکری و فرهنگی بیگانه ای بر همه جا چیره شده بود و با خود ارمغان کفر و الحاد در قالب بحثهای فلسفی و تردید نسبت به مبادی خداشناسی، می آورد. بر امام لازم بود که بر جای بماند و مسؤولیت خویش را در نجات امت به انجام برساند. و دیدیم که امام نیز - با وجود کوتاه بودن دوران زندگیش پس از ولیعهدی - چگونه عملاً وارد این کارزار شد. حال اگر او با رد قاطع و همیشگی ولیعهدی، هم خود و هم پیروانش را به دست نابودی می سپرد این فداکاری کوچکترین تاثیری در راه تلاش برای این هدف مهم در بر نمی داشت.

علاوه بر این، نیل به مقام ولیعهدی يك اعتراف ضمنی از سوی عباسیان به شمار می رفت دایر بر این مطلب که علویان نیز در حکومت سهم شایسته ای داشتند.

دیگر از دلایل قبول ولیعهدی از سوی امام آن بود که اهل بیت را مردم در صحنه سیاست حاضر ببابند و به دست فراموشیشان نسپارند، و نیز گمان نکنند که آنان همانگونه که شایع شده بود، فقط علما و فقهای هستند که در عمل هرگز به کار ملت نمی آیند. شاید امام نیز خود به این نکته اشاره می کرد هنگامی که «ابن عرفه» از وی پرسید:

- ای فرزند رسول خدا، به چه انگیزه ای وارد ماجرای ولیعهد شدی؟

امام پاسخ داد:

به همان انگیزه ای که جدم علی(علیه السلام) را وادار به ورود در شورا نمود. (1)

گذشته از همه اینها، امام در ایام ولیعهدی خویش چهره واقعی مامون را به همه شناساند و با افشا ساختن نیت و هدفهای وی در کارهایی که انجام می داد، هرگونه شبهه و تردیدی را از نظر مردم برداشت.

آیا امام خود رغبتی به این کار داشت؟

اینها که گفتیم هرگز دلیلی بر میل باطنی امام برای پذیرفتن ولیعهدی نمی‌باشد. بلکه همانگونه که حوادث بعدی اثبات کرد، او می‌دانست که هرگز از دسیسه‌های مامون و دار و دسته‌اش در امان نخواهد بود و گذشته از جانش، مقامش نیز تا مرگ مامون پایدار نخواهد ماند. امام بخوبی درک می‌کرد که مامون به هر وسیله‌ای که شده در مقام نابودی وی - جسمی یا معنوی - برخواهد آمد.

تازه اگر هم فرض می‌شد که مامون هیچ نیت‌شومی در دل نداشت. با توجه به سن امام امید زیستنش تا پس از مرگ مامون بسیار ضعیف می‌نمود. پس اینها هیچ کدام برای توجیه پذیرفتن ولیعهدی برای امام کافی نبود. از همه اینها که بگذریم و فرض را بر این بگذاریم که امام امید به زنده ماندن تا پس از درگذشت مامون را نیز می‌داشت، ولی برخوردش با عوامل ذی نفوذی که خشنود از شیوه حکمرانی وی نبودند، حتمی بود. همچنین توطئه‌های عباسیان و دار و دسته‌شان و بسیج همه نیروها و ناراضیان اهل دنیا بر ضد حکومت امام که اجرای احکام خدا به شیوه جدش پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و علی (علیه السلام) باید پیاده می‌شد، امام را با همان مشکلات زیانباری روبرو می‌ساختند که برایتان در فصل گذشته شرح دادیم. در آنجا گفتیم که حتی مردم نیز حکومت حق و عدل امام (علیه السلام) را در آن شرایط نمی‌توانستند تحمل کنند.

فقط اتخاذ موضع منفی درست بود با توجه به تمام آنچه که گفته شد در می‌یابیم که برای امام (علیه السلام) طبیعی بود که اندیشه رسیدن به حکومت را از چنین راهی پر زیان و خطر از سر بدر کند، چه نه تنها هیچ یک از هدفهای وی را به تحقق نمی‌رساند، بلکه بر عکس سبب نابودی علویان و پیروانشان همراه با هدفها و آمالشان نیز می‌گردید.

بنابراین، اقدام مثبت در این جهت یک عمل افتخارآمیز و بی منطق قلمداد می‌شد.

برنامه پیشگیری امام اکنون که امام رضا (علیه السلام) در پذیرفتن ولیعهدی از خود اختیاری ندارد، و نه می‌تواند این مقام را وسیله رسیدن به هدفهای خویش قرار دهد، چه زیانهای گرانباری بر پیکر امت اسلامی وارد آمده دینشان هم به خطر می‌افتد. . . و از سویی هم امام نمی‌تواند ساکت بنشیند و چهره موافق در برابر اقدامات دولتمردان نشان بدهد. . . پس باید برنامه‌ای بریزد که در جهت خنثی کردن توطئه‌های مامون پیش برود. اکنون در این باره سخن خواهیم راند.

پی‌نوشت:

(1) مراجعه شود به: مناقب آل ابی طالب / 4 / ص 364 - معادن الحکمة / ص 192 - عیون اخبار الرضا / 2 /

ص 40 - بحار / 49 / ص 140 و 141.

کتاب: زندگی سیاسی هشتمین امام، ص 162